

ائتلاف ۳+۱ علیه ایران مبنای اصلی تحولات منطقه

شواهد منطقه نشان می دهد با وجود تغییر و تحولاتی که در صحنه توازن قوا طی یک دو سال اخیر رخ داده است که طی آن موقعیت سوریه نسبت به قبل بسیار بهتر شده است.



به گزارش آران نیوز: بعد از بیداری اسلامی و ظهور جنبش های مردمی در جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا، تحولات بنیادینی در ساختارهای سیاسی و اجتماعی در منطقه شکل گرفت که عملاً دو جبهه یا محور را رودروی یکدیگر قرار داد. جبهه اول به رهبری جمهوری اسلامی و جبهه دوم به رهبری آمریکا.

در جبهه آمریکا، ظهور بازیگران برتر منطقه ای همچون ترکیه و عربستان نمود بیشتری دارد. بازیگرانی که از حالت معارض به همراه تبدیل شده اند. بازیگر دیگر در ائتلاف مزبور رژیم صهیونیستی است که از زمان تاسیس همواره مورد حمایت آمریکا قرار داشته است. بنابراین یک ائتلاف چهارگانه (یا ائتلاف ۱+۳) متشکل از عربستان، ترکیه و رژیم صهیونیستی با بازیگردانی آمریکا اکنون در منطقه شکل گرفته است. عربستان به عنوان مرکزیت امروزی جهان عرب، ترکیه به عنوان کشوری که خواهان اعاده قدرت خلافت قرن نوزدهم و اسرائیل که هدفش درگیرشدن جهان اسلام در منازعه پایان ناپذیر است تا بر اساس تبعات مخرب آن، دولت ها کوچک تر و ناتوان تر شوند. از این رو ائتلافی احتمالی در منطقه در حال شکل گیری است که رویکردهای خاصی باید نسبت بدان اتخاذ کرد.

«ولادیمیر اودینچوف» تحلیلگر روس در روابط بین الملل در مصاحبه اختصاصی با مجله اینترنتی «چشم انداز شرق جدید» به طور صریح به ائتلاف شکل گرفته اشاره می کند و می گوید: «ایالات متحده آمریکا که در چند دهه اخیر مدام قبای امپریالیستی خود را اندازه می گیرد، از درس های تاریخ تنها یک درس را آموخته است و آن هم استفاده از معشوقه های سیاسی در تحقق سیاست خود مبنی بر «تفرقه انداز و حکومت کن» است. یکی از محبوب ترین معشوقه های آمریکا در ۷۰ سال اخیر در خاورمیانه، اسرائیل است که نه تنها عنان کشورهای عربی را دستانش دارد، بلکه به اسم آمریکا سعی در گسترش نفوذ خود در منطقه و در دیگر دولت ها را دارد.»

تحلیلگر روس افزود: «معشوقه دیگر آمریکا، عربستان سعودی است که با ارائه خدمات ارزنده و سودآور (از جمله تشکیل سازمان تروریستی القاعده، تبلیغ مکتب وهابیت به عنوان بذر افراط گرایی در دیگر کشورها) به آمریکا، حضور واشنگتن را در خاورمیانه تقویت کرده است... ت. اما واشنگتن در پس زمینه منطقه خاورمیانه، معشوقه دیگری را در راستای منافع روزافزون خود برگزید. ترکیه، معشوقه جدید آمریکا در خاورمیانه است. چنین انتخابی از سوی واشنگتن، قطعاً تصادفی نیست. آمریکا، مرحله به مرحله به ترکیه نزدیک می شود، اما همزمان ترکیه را نیز مهار می کند و اکنون فعالانه در تلاش است از یک سری مشکلات منطقه برای محاصره و انزوای ترکیه در اروپا استفاده کند. واشنگتن در برخی از جهت گیری های خود به شدت از گسترش ترکیه جلوگیری می کند، اما در برخی موارد به امید تصادم منافع ترکیه با قدرت های بزرگ منطقه ای از جمله روسیه، چین، ایران، عربستان سعودی و حتی اسرائیل، جاه طلبی های آنکارا را محدود نمی کند. کاخ سفید این تناقضات آشکار را در دستیابی به اهداف خود دنبال می کند.»

به گفته اودینچوف، آمریکا با درک اهمیت موقعیت ژئوپلیتیکی ترکیه و سکولار بودن دولت آن به این نکته پی برده است که ترکیه می تواند نقش مهمی در سیاست خارجی واشنگتن در خاورمیانه ایفا کند؛ زیرا واشنگتن از طریق ترکیه می تواند در برای مدیریتانه و دریای سیاه نفوذ پیدا کند و همچنین روسیه را در مناطق قفقاز و بالکان مهار کند. در حال حاضر، ترکیه ابزار آمریکا برای سرکوب شیعیان عراق، سوریه، مصر و دیگر کشورها است. به همین دلیل، استراتژی آمریکا در همکاری با ترکیه مرکب از فاکتورهای نظامی و غیرنظامی است.

شواهد منطقه نیز نشان می دهد با وجود تغییر و تحولاتی که در صحنه توازن قوا طی یک دو سال اخیر رخ داده است که طی آن موقعیت سوریه نسبت به قبل بسیار بهتر شده و طرح های عربستان و ترکیه با موانع بزرگی روبه رو شده است و نیز با وجود سخنان متناقض مقامات ترک که از یک سو پیام هایی مبنی بر همسویی با ایران و روسیه در سوریه می دهند و از سوی دیگر وزیر خارجه ترکیه در اجلاس اخیر آنکارا علیه ایران موضع بسیار بدی گرفت، با همه این موارد، ائتلاف چهارجانبه علیه ایران، مبنای اصلی تحولات منطقه را شکل می دهد و این مهم را نباید از نظر دور داشت.

در مورد این ائتلاف باید به این سوالات پاسخ داد که: هدف از شکل گیری ائتلاف چیست؟ اهداف و ابعاد بازیگران از ائتلاف مزبور چیست؟ راهکارها و پیشنهادهای مقابله با این ائتلاف برای بازیگر مقابل (ایران) چیست؟
مراحل شکل گیری ائتلاف ۳+۱

اگرچه ائتلاف نام برده، ائتلافی احتمالی و بدون بازتاب در سطح رسانه ای است و عملاً بازتاب خاصی در مورد شکل گیری این ائتلاف صورت نگرفته است، اما از بعضی رسانه های نوشتاری می توان به عملکرد و اقدامات آن پی برد. بر این اساس می توان گفت، شکل گیری ائتلاف ۳+۱ در سه مرحله رخ داده است:

الف) اعلام سازی ائتلاف: این مرحله با معرفی ائتلاف بر اساس گزارش هایی از اندیشکده ها، روزنامه و برخی شبکه های

تلویزیونی صورت گرفته است. به عنوان نمونه «ترزا اسپنتسروا» در مقاله ای که در روزنامه «لیتیرارنی نوفینی» منتشر کرد، نوشت: «گام هایی که اسرائیل همگام با محور سعودی - ترکیه علیه پرونده هسته ای ایران برداشته است به ائتلاف واقعی منجر شده است.»

وبگاه تحلیلی «دبکا فایل» وابسته به رژیم صهیونیستی نیز می نویسد: «بعد از سفر سال گذشته اردوغان به عربستان، به نظر می رسد مسیری برای تشکیل ائتلاف جدید در خاورمیانه متشکل از ترکیه، عربستان سعودی و شاید مصر و اسرائیل که از سوی دشمنانی مشابه محاصره هستند، شکل گیرد. این گروه جدید تعادلی در مقابله علیه ائتلاف ایران، عراق، سوریه و حزب الله است.»

ب) توسعه دادن ائتلاف: مرحله دوم که رسانه های غربی- عربی در پیش گرفتند، توسعه ائتلاف با عناوین مختلف بود. پایگاه خبری تحلیلی البدیع در این باره می نویسد: «ائتلاف سعودی صهیونیستی در راستای تقویت جبهه خود به دنبال بسیج کردن تعداد دیگری از کشورهای عربی بر ضد جمهوری اسلامی ایران و متحدان منطقه ای این کشور است.»

روزنامه القدس العربی چاپ لندن هم در این باره می گوید: «این ائتلاف با رمز ۱۴۴ در مکاتبات وزارت خارجه آمریکا نامگذاری شده است. این ائتلاف شامل عربستان سعودی، اردن، امارات، تشکیلات خودگردان فلسطین و ترکیه به علاوه اسرائیل است. او به نقل از منابع اسرائیلی و آمریکایی گفت که هدف از این ائتلاف جدید مقابله با محور ایران، سوریه و حزب الله لبنان است.» بنابراین رسانه های همراه با ائتلاف، درصدد توسعه آن و همراهی سایر کشورها برای پیشبرد برنامه های آن هستند.

ج) تثبیت ائتلاف: این مرحله با حمله عربستان به یمن کلید خورد. کشورهای عضو برای اینکه ائتلاف خود را تثبیت کرده و به منصفه ظهور برسانند، در قالب حمله به یمن شروع به همکاری کشورهای عربی در قالب ائتلاف "طوفان قاطع" کردند. ترکیه و رژیم صهیونیستی در حمله به یمن، نقش پشتیبانی و موجه جلوه دادن حمله عربستان را داشتند. سفرهای مقامات سیاسی سه کشور همچون سفر رییس دستگاه اطلاعاتی عربستان به سرزمین های اشغالی، توسعه روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی از جمع اقدام های مزبور در تثبیت ائتلاف بود. آمریکا نیز به نقش بازیگردانی خود و تحریک هم پیمانانش هم چنان ادامه می دهد.

کالین پاول به طور صریح به پشتیبانی آمریکا از رژیم سعودی در جنگ یمن، در مصاحبه با شبکه خبری فاکس نیوز اشاره می کند و می گوید: «ملک سلمان و پسرش به ما گفتند که جنگ در یمن ۱۰ روز بیشتر طول نخواهد کشید و ارتش عربستان قادر است بعد از روز هفتم وارد صناعا شود. حمله انجام شد و نتیجه آن فعلاً فاجعه آمیز بوده است.»

روزنامه عکاظ با "الین داناها" نماینده سابق آمریکا در شورای حقوق بشر مصاحبه ای انجام داد و وی به زعم خود پیش بینی کرده است که جنگ عربستان و متحدانش علیه یمن موسوم به توفان قاطع در بازگرداندن مشروعیت (منظور سعودی ها از مشروعیت، همان بازگرداندن عبدربه منصور هادی رئیس جمهوری مستعفی به قدرت است) و امنیت به یمن با موفقیت همراه شود. این مقام سابق آمریکا مدعی شده است که ائتلاف نظامی به رهبری عربستان توانسته است توانمندی های نظامی حوثی ها را مختل کرده و مانع سیطره آنها بر عدن شود.

شبکه العربیه وابسته به عربستان سعودی نیز در گزارشی مدعی شد که ایران به یمنی ها آموزش نظامی می دهد. مشاهده می شود که رسانه های هم سو با چه عناوین و القابی همچون دفاع مشروع، مداخله بازیگران ثالث در بحران آفرینی منطقه و... سعی در موجه جلوه دادن اقدامات خود دارند و با همین کار اذهان عمومی را منحرف کردند.

اهداف آمریکا از انتخاب بازیگران

الف) رژیم صهیونیستی: اهداف آمریکا از ورود رژیم صهیونیستی به ائتلاف، شامل موارد ذیل است:

۱- عادی سازی روابط و همسو کردن سیاست های ترکیه و عربستان با رژیم صهیونیستی؛ نمونه بارز این امر نیز در تمایل سودان به عنوان هم پیمان عربستان برای برقراری ارتباط با رژیم صهیونیستی است. وزیر خارجه سودان اخیراً گفته بود: «سودان آماده گفت و گو برای پایان دادن به خصومت و دشمنی خود با اسرائیل و عادی سازی روابط با تل آویو است.»

۲- مطرح کردن رژیم صهیونیستی به عنوان یکی از قطب های قدرت در منطقه؛

۳- نشان دادن همسویی سیاست های آمریکا در منطقه با رژیم صهیونیستی.

ب) عربستان:

۱- عربستان مهم ترین متحد سنتی در سیاست خارجی واشنگتن است.

۲- اهمیت دیگر عربستان به دلیل پشتوانه مالی یا همان دیپلماسی تطمیع است.

۳- وجود نفت و ذخایر انرژی در این کشور؛ آمریکا بنا بر فقدان منابع انرژی در ترکیه و رژیم صهیونیستی، می خواهد از عربستان به عنوان بازیگری که می تواند تامین کننده منافع ائتلاف باشد، استفاده کند.

۴- حمایت و کمک های عربستان به تروریست ها در منطقه که آمریکا با کارت تروریست ها در منطقه بازیگری می کند؛ یعنی از یک سو به بهانه مبارزه با تروریسم وارد منطقه می شود و از سوی دیگر با استفاده از هم پیمانان خود همچون عربستان و ترکیه به حمایت از آنها می پردازد.

ج) ترکیه: مهمترین اهداف ترکیه از ورود به ائتلاف به شرح زیر است:

۱- مقابله با فعالیت گروه «پ. ک. ک.»؛

۲- عضویت در اتحادیه اروپا؛

۳- مسایل سوریه: از نگاه مقامات ترک، کنار رفتن اسد از قدرت موجب کاهش نقش و نفوذ ایران به عنوان رقیب اصلی منطقه‌ای ترکیه در خاورمیانه خواهد شد. با چنین پیش زمینه ای است که شاهد ائتلاف میان ترکیه و آمریکا هستیم که با هدف تضعیف نقش و موقعیت ایران در منطقه خاورمیانه صورت می‌گیرد. در واقع هدف اصلی ترکیه صرفاً کنار رفتن اسد از قدرت نیست، بلکه تضعیف جایگاه ایران در منطقه و بر هم زدن موازنه استراتژیک و موازنه قوا در خاورمیانه است. دلایل شکل گیری ائتلاف

در پاسخ به این سوال که درمورد ماهیت و چیستی ائتلاف چهارگانه است، باید بیان کرد که ائتلاف مزبور بنا بر به دلایل ذیل شکل گرفته است:

۱- رویارویی با جمهوری اسلامی و همسویان وی: هدف اصلی ائتلاف چهارگانه تضعیف و از بین بردن محور مقاومت در منطقه است. آمریکا در قالب سناریویی گام به گام ابتدا درصدد حذف زیرسیستم‌های محور مقاومت است و در مرحله بعد به دنبال حذف خود سیستم و در صورت عدم کارآمدی، اختلال در خود سیستم است. این اختلال در چارچوب سناریوهایی همچون نافرمانی مدنی، جنگ داخلی، تجزیه و روی کارآمدن افراد وابسته است. وبگاه تحلیلی «دبکا فایل» نزدیک به منابع اطلاعاتی رژیم اسرائیل با اشاره به آخرین تنش‌ها بین ایران و عربستان سعودی و نیز سفر رییس جمهور ترکیه به ریاض و بیان این جمله از «رجب طیب اردوغان» رییس جمهور ترکیه مبنی بر این‌که به اسرائیل نیاز داریم، نوشت: «از آنجایی که سخنان اردوغان بلافاصله بعد از دیدار با «ملک سلمان» پادشاه سعودی بیان شد، به نظر می‌رسد مسیری برای تشکیل ائتلاف جدید در خاورمیانه متشکل از ترکیه، عربستان سعودی و شاید مصر و اسرائیل که از سوی دشمنانی مشابه محاصره هستند، شکل گیرد. این گروه جدید تعادلی در مقابله علیه ائتلاف ایران، عراق، سوریه و حزب‌الله است.»

۲- مقابله با گسترش تشیع: این هدف از دو طیف دنبال می‌شود:

۱-۲ شیعه ستیزی یا ترویج سلفی‌گری:

کسینجر در سال ۱۳۶۲ با اشاره به نقش ایران در منطقه اعلام کرد: «ما برای توقف این ماشین قوی که راه افتاده و در حال به خطر انداختن هستی ماست هیچ راهی نداریم جز اینکه باید جنگ شیعه و سنی به راه بیندازیم و جهان اهل سنت را در مقابل اینها به میدان بیاوریم.»

ادوارد سعید موضوع اسلام هراسی و شیعه هراسی را کالبد شکافی می‌کند و سه علت مهم آن را متذکر می‌شود. اول: احساس وحشت آور غرب از نیاز به انرژی و تمرکز آن در جهان اسلام است و لذا طرح شیعه هراسی می‌تواند موجب تشدید نزاع بین اسلام گرایان و کشورهای اسلامی شود تا جریان انتقال ارزان نفت به غرب به واسطه بیداری اسلامی دچار بحران نشود؛ دوم: انقلاب اسلامی ایران است که مفاهیم و پتانسیل استکبارستیزی، عدالت خواهی و عقلانیت سیاسی اسلامی را ارائه کرده که الگوی موفق اسلام سیاسی برای حرکت خیزش اسلامی در عصر مدرنیته خواهد شد؛ سوم: بازگشت اسلام در زندگی سیاسی مسلمانان است.

هدف محوری رسانه‌ها و هجوم تبلیغات گسترده آنها، ایجاد شکاف سیاسی بین ملت‌ها و دولت‌های منطقه و انزوای سیاسی دولت شیعی ایران است تا کنش و ارزش‌های سیاسی شیعی در منطقه و جهان اسلام صادر نشود و به جای آن نزاع و جنگ شیعه و سنی گسترش یابد. چون به اعتقاد دانیل هر کجا شیعه است آنجا دردسر برای تمدن غرب است.

۲-۲ هلال شیعی: یکی دیگر از راه‌های مبارزه با ایدئولوژی شیعه، ارائه مفهوم جعلی هلال شیعی است. هلال شیعی اصطلاحی است با سابقه‌ی آکادمیک در ادبیات آلمانی، که نخستین‌بار در حوزه‌ی مباحث استراتژیک منطقه، ملک عبدالله دوم، در سال ۲۰۰۴ مطرح کرد، زمانی که از یک سو، بحران هسته‌ای ایران به اوج خود رسید و از دیگر سو، عراق به سمت جنگ داخلی شتاب گرفت. وی ادعا کرد نتیجه اصلی جنگ در عراق، شکل‌گیری یک هلال شیعی تحت سلطه ایران بوده است، از نظر او، قریب به اتفاق نوار منطقه‌ای از دریای مدیترانه تا اقیانوس هند و دریای خزر که دارای منابع انرژی نفت و گاز سرشاری است، تحت نفوذ شاخه‌ای از اسلام شیعی قرار دارد که این خیزش امپراتوری شیعه، از طرف تهران حمایت می‌شود.

مهم‌ترین دلیل اعلام شکل‌گیری هلال شیعی در خاورمیانه، ایجاد شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی در منطقه بود تا اولاً فشار آمریکا برای دموکراسی‌سازی در خاورمیانه کاهش یابد و ثانیاً، نیاز آمریکا به کشورهای عربی محافظه‌کار، بیشتر و روشن‌تر شود. نوام چامسکی، با بیان اینکه بیشترین ذخایر انرژی خاورمیانه در منطقه‌ای موسوم به هلال شیعی قرار دارد معتقد است کنترل ایران بر این هلال، وحشتناک‌ترین کابوس برای آمریکاست.

۳- فراهم شدن طرح‌های آمریکا در منطقه: شاید مهم‌ترین طرح همان طرح خاورمیانه بزرگ است که طبق آن، آمریکا به دنبال تجزیه کشورهای منطقه است و این گزینه همچنان روی میز مقامات آمریکاست.

در این جهت کسینجر در سال ۲۰۰۵ اعلام کرد: «برای پایان دادن به بحران‌های منطقه ای باید ارتباط جبهه مقاومت را با یکدیگر قطع کرد و برای این کار ابتدا باید حزب الله در سال ۲۰۰۶ حذف می‌شد و سپس سایر کشورها، اما با شکست سناریو حذف حزب الله سناریو بعدی سوریه بود که کانال ارتباطی ایران با حزب الله است و با طرح شکست تجزیه سوریه به سراغ حلقه بعدی یعنی عراق آمدند و اعلام کردند برای اینکه ارتباط بین ایران با سوریه قطع شود، باید عراق را تجزیه کرد(به سه منطقه جداگانه که شمال کردها، مرکز سنی‌های وابسته به عربستان و جنوب شیعیان). از آنجایی که حلقه ارتباطی ایران با سوریه از مرکز عراق و بالاخص استان الانبار می‌گذرد، داعش از همان ابتدا این استان را به اشغال خود درآورد تا تنها راه ارتباطی ایران با سوریه قطع شود. اما تاکنون این طرح نیز به سرانجام نرسیده و شاید با کمک احزاب و جریان‌های سیاسی وابسته بتوانند به

اهداف خود برسند.»

"هیلاری کلینتون" وزیر سابق امور خارجه آمریکا نیز در کتاب خاطرات خود با عنوان "گزینه های دشوار" می نویسد: «ما از طریق اخوان المسلمین در مصر و دولت اسلامی که قرار بود تشکیل شود منطقه را تقسیم کردیم و پس از آن توسط عوامل خود از اخوان المسلمین به سراغ کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس رفتیم. ابتدا کار از کویت آغاز می شد و به ترتیب به سراغ امارات، بحرین و عمان می رفتیم. در پی آن، تقسیمات منطقه عربی و مغرب عربی به طور کامل تغییر می کرد و ما تسلط کامل بر منافع نفتی و گذرگاه های دریایی پیدا می کردیم.»

۴) مقابله با روسیه

بنابر حمایت های آمریکا از تروریست ها در منطقه و سیاست سد نفوذ جدید واشنگتن در منطقه، روسیه به عنوان یکی از بازیگران فرامنطقه ای می تواند، در آینده تهدیدی بالقوه برای نفوذ واشنگتن در منطقه باشد. بنابراین آمریکا به دنبال درگیر کردن روسیه در پیرامون خود و عدم نگاه به بیرون از مرزهای مسکو است. در راستای این امر نیز آمریکا مهم ترین عامل برای پیشبرد درگیرسازی مسکو، ظهور و فعالیت گروه های تروریستی در روسیه است. پایگاه خبری النشرة لبنان در مقاله ای به قلم حنیف عبدالله کارشناس مسائل خاورمیانه می نویسد: «جوانان متعصب قفقازی پس از کسب تجربه و مهارت نظامی، در چارچوب سیاست های کاخ سفید می بایستی به سرزمین های خود باز گردند و امنیت آن مناطق آشفته و طعمه آنارشیسم ویرانگر می نمودند و زمینه ها را برای بحران و تنش دیگر در چین و کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی و شرق چین، مساعد می ساختند.»

جمع بندی

آمریکا در غرب آسیا به دنبال اهداف متعددی است که مهمترین هدف آن تشکیل ائتلافی از درون خود منطقه برای مبارزه و رویارویی با محور مقاومت به رهبری ایران است. آمریکا در تلاش است تا به نوعی با تشکیل چنین ائتلافاتی نقش خود را در منطقه پررنگ جلوه دهد و از سوی دیگر از نقش سایر رقبای خود همچون اتحادیه اروپا و روسیه بکاهد. همچنین آمریکا سعی دارد یک نوع مشروعیت به رژیم صهیونیستی بدهد و محتمل ترین گزینه را نیز در ورود رژیم صهیونیستی به ائتلاف های منطقه ای می داند.

راهکارها و پیشنهادات

ائتلاف شکل گرفته می تواند فرصت ها و تهدیدهایی برای جمهوری اسلامی به وجود آورد. در راستای این فرصت ها و تهدیدها، راهکارهای زیر ارائه می گردد:

۱) اتحاد با روسیه: جمهوری اسلامی باید به یک ائتلاف واقعی با روسیه روی آورد. دلیل این امر نیز استفاده از پتانسیل روسیه در سطح نظامی و سیاسی است. بنابراین اتحاد روسیه با ایران؛ در وهله اول مانع نفوذ آمریکا در منطقه می شود و در وهله دوم به قدرت مند تر شدن دو کشور می انجامد.

۲) تاکید بر ناکارآمدی ائتلاف: ائتلاف ۳+۱ اگرچه در ظاهر قابل شکل گیری است، اما بازیگران حاضر در آن بنابر دو ویژگی زیر نمی توانند به هدف یکسانی برسند: یکی تفاوت در رویکرد بازیگران است که هر کدام به نوعی به دنبال حذف رقیب هستند. آنچه بازیگران فوق را در کنار هم گرد آورده، منفعت مشترکی به نام مقابله با ایران است. دوم؛ اختلافات ایدئولوژیک بازیگران است. ایدئولوژی رژیم صهیونیستی برتری نژادی بر کشورهای منطقه و سپس تجزیه آن هاست. عربستان به دنبال ایدئولوژی افراط گری و ترکیه رویکردی اخوانی دارد. بنابر این تعارضات به راحتی می توان ناکارآمدی ائتلاف و عدم به نتیجه رسیدن آن را پیش بینی کرد.

۳) اقداماتی در زمینه های رسانه ای و حتی دیپلماسی در عدم تمایل سایر کشورهای اسلامی به ائتلاف ۳+۱؛

۴) تخریب ائتلاف با تاکید بر اقدامات رژیم صهیونیستی به عنوان دشمن اول جهان اسلام؛

۵) شکل گیری ائتلافی متشکل از کشورها و جریانات حامی مقاومت و تبلیغات گسترده پیرامون آن: این ائتلاف امروزه توسط ایران، روسیه، عراق، سوریه و حزب الله در حال شکل گیری است و از آن می توان به عنوان ائتلاف ۴+۱ یاد کرد. /

نویسنده: محمدرضا فرهادی

پایگاه بصیرت

منبع: فارس